

قهرمان در اساطیر جهان*

□ رکس وارنر
□ ترجمه‌ی دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور

واژه‌ی قهرمان یا پهلوان که در گفتار روزانه به معنی انسانی شجاع و برجسته به کار می‌رود یا رقم‌زننده‌ی شخصیتی در آثار ادبی است، کاربرد

معنایی ویژه‌ای نیز دارد و بر چهره‌های شاخص ادبیات به اصطلاح «قهرمانی» دلالت می‌کند. این نوع ادبیات در سرزمین‌های بسیار، در دوره‌های تاریخی گوناگون پرورده شد و آن زمانی بود که قصه‌ها و ترانه‌هایی درباره تباری از انسان رواج می‌یافت که قدرت و شهامت فوق بشری داشتند.

اعمال خارق‌العاده‌ای انجام می‌دادند، با موجودات مافوق طبیعی در ارتباط بودند و گاهی خود تباری ماوراءالطبیعی داشته‌اند.

قهرمانان گاهی در آیین‌های بومی جلوه می‌یابند و دارای پرستشگاه‌هایی هستند که به یادبود آنان بنا شده‌اند و به افتخار آنان مسابقاتی برگزار کرده‌اند. این آیین‌ها در میان یونانیان رواج داشت، به ویژه آیین هراکلس (هرکول)، قهرمان نیمه ایزدی دارای قدرت خارق‌العاده که اعمالی شگفت‌پراوازه از او سرزده و منجر به نجات یونانیان از خطرهای بزرگ گردیده است.

در مواردی نیز روایات پیرامون قهرمانان گذشته سنت حماسی ارزشمندی را پدید آورده است، مانند روایات هومری درباره‌ی قهرمانان که اعمال خارق‌العاده‌ی آنان موضوع دو اثر حماسی ایلیاد و ادیسه است. قهرمانان ژرمنی حماسه‌ی مشهور به نیبلونگن را الهام بخشیده‌اند. در سرزمین‌های دیگر نیز ترانه‌ها، داستان‌ها، چکامه‌ها و ادبیات نوشتاری پیچیده‌تری پدید آمده که از روی قصه‌های مربوط به قهرمانان اولیه تحول یافته‌اند. این قصه‌های باستانی خود پرورده‌ی افرادی است که سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند. در سده‌ی حاضر، علاقه به ادبیات حماسی و قهرمانی بسیار افزون شده است، چون مسافران و پژوهندگان از شاعران و خنیاگران بومی که به طور شفاهی شعر می‌سروده و می‌خوانده‌اند، آثاری گردآوری و به نوشتار درآورده‌اند.

بسیاری از قهرمانان در میراث ادبی گذشتگان بازمانده‌اند، هرچند عناوین بی‌شماری از آنان که زمانی اهمیت بسیاری داشته‌اند برای همیشه فراموش شده است، از جمله شعر حماسی قوم گُل (Gaul) از میان رفته و هیچ نشانه‌ای از آن نمانده است، در حالی که سیسرون، خطیب رومی (سده نخست پ. م) شکوایه داشت که اشیای کهن





شهرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درباره‌ی قهرمانان باستانی رومی مانند رمولوس^۱ و هوراسیوس^۲ از بین رفته و تنها چکیده‌هایی از آن درباره‌ی اعمال خارق‌العاده‌ی آنان در آثار نویسندگان متأخر لاتینی آمده است. پاره‌هایی از حماسه‌ی باستانی گیل‌گمش که اکنون معتقدند متعلق به هزاره‌ی سوم پ. م. است، نشان می‌دهد که شخصیت اصلی این حماسه انسانی قهرمان و دارای قدرت‌های فوق بشری بود که ایزدبانو ایشتر را به خشم افکند و طی سفری پرمخاطره، در پی دوست و همراه خود انکیدو که به سرزمین مرگ درافکنده شد، به انتهای جهان رفت و امید به گریز از فنا و میرایی را چند صباحی به دست آورد، اما آن را از دست داد، چه انسان موجودی فانی است. گیل‌گمش از آغاز، از محدودیت‌های وجود انسان ناخشنود است و ماجراها و اعمال خارق‌العاده‌اش می‌تواند نوعی سیر و سلوک معنوی تلقی گردد. اشعار حماسی منسوب به هومر، که بهترین نمونه‌ی

حماسه‌هایی است که می‌شناسیم، از سده‌ی ۸ یا ۹ پ. م. است. قهرمانان ایلیاد و اودیسه پایگاهی شکوهمند دارند، دارای وجودی آرمانی‌اند و در قلمروهای کوچک و مستقل شرق مدیترانه می‌زیند و با شهامت و زورمندی و اعمال شگفت‌آورشان در اعصار جنگ و صلح صاحب شکوه و جلالی جاودانه شده‌اند. ایزدان در عین پشتیبانی از آنان، به شیوه‌ای انسانی با آن‌ها به دشمنی برمی‌خیزند، و در پشت نزاع انسانی از یکدیگر دوری می‌جویند و همزمان واقعیت‌های روزمره را به گونه‌ای متقاعدکننده به نمایش می‌گذارند. اما با وجود این، امکانات بی‌اندازه در برابر اندیشه و روح انسان قرار دارد و فراسوی محدودیت‌های این جهان پیش می‌روند.

گروهی از قهرمانان یونانی بیرون از داستان‌های هومری نیز وجود داشتند. چهره‌هایی مانند پرومته‌ی تیتان که به دست زئوس زندانی شد، چون

آتش را ربوده و به انسان بخشید، افسانه‌ای که تا زمان‌های اخیر در فرهنگ عامه‌ی قفقاز به یادگار ماند؛ تزه که مینوتور را کشت و ژاسون که دریاها را پیمود تا «پشم زرین» را بیابد. این روایات با آن که تنها پاره‌هایی از آن بازمانده، شهرت خود را حفظ کردند. صحنه‌هایی از ماجرای زندگی آنان بر بسیاری از گلدان‌های کهن یونانی نقش گردیده و در مورد تزه و ژاسون به نظر می‌رسد که حقیقت و افسانه به گونه‌ای تفکیک‌ناشدنی با یکدیگر آمیخته است. اهمیت بسیاری از این قهرمانان مربوط به سفر یا جست و جویی است که آنان تقبل کردند و اغلب سرانجامی اندوهبار داشتند.

اثر حماسی دیگری که از میان آثار باستانی بازمانده، مهابهاراتای هندی است که شامل مطالب اساطیری و قهرمانی بیشتری است، هرچند تا حد زیادی توسط برهمنان ویراسته شده، به همین سبب بازسازی شکل اولیه‌ی آن دشوار است. یهودیان نیز عصر

وجود چنین قصه‌هایی
به معنی گریز به جهان
قصه‌های پریوار نیست،
بلکه به عنوان منبع خرد
و الهامی ژرف برای نوع
بشر است

قهرمانی خود را داشتند و این مربوط به زمانی است که آنان نبرد می‌کردند تا خود را در فلسطین تثبیت کنند و بر قبایل مهاجم پیرامون خویش چیره گردند. کتاب‌های تاریخی عهد عتیق دربردارنده‌ی داستان قهرمانان و رهبران عالی‌رتبه‌ای چون جُدعون (سفر داوران: ۱۱/۶) و شمشون (داوران: ۲۴/۱۲) است. داستان حضرت داوود و پیروانش نیز خود حماسه‌ای قهرمانی است و بخش‌های شکوهمندی در آن می‌توان یافت و هسته‌ی درونی و لایه زیرینش چندان جدی است که بهترین نمونه‌ی ادبیات قهرمانی را رقم می‌زند.

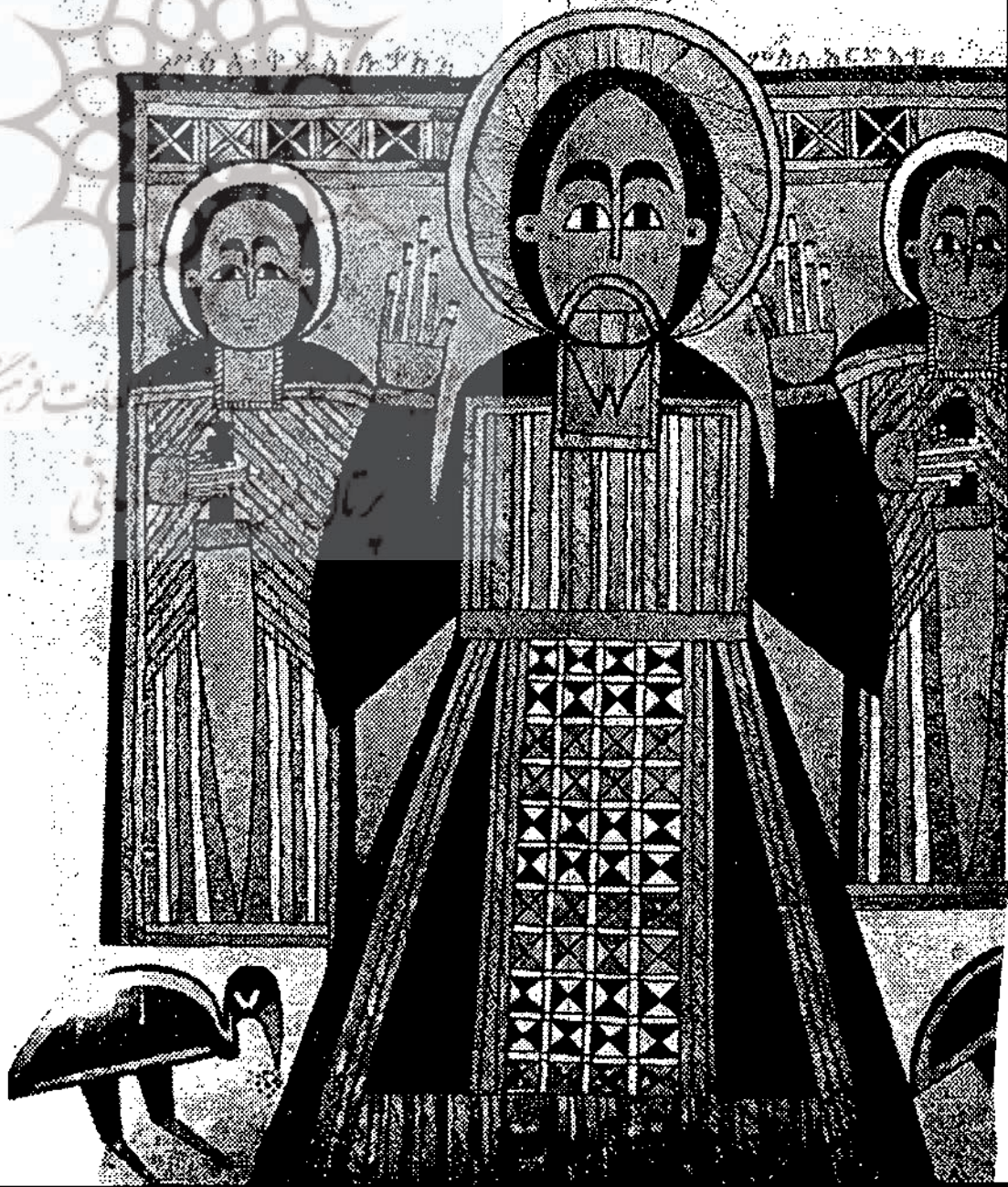
منظومه‌های حماسی و داستان‌های قهرمانی ارزشمندی از آغاز سده‌های میانه در اروپای غربی برجای مانده است. سهم بریتانیایی‌ها در این مورد اندک نیست، زیرا آنان حماسه‌ی انگلوساکسونی بیوولف را از خود به یادگار گذاشته‌اند و آن داستان قهرمانی شمالی است که با غول‌ها می‌جنگد، بر اورنگ سلطنت تکیه می‌زند و شهریاری بزرگ می‌گردد، اما در دفاع از ملت خویش با اژدهایی درمی‌افتد و جان می‌بازد. همه‌ی این ماجراها در پس‌زمینه‌ی جنگ انسان‌ها و کینه‌های خانوادگی

رخ می‌نماید و نکته‌ی ارزشمند آن در نزد پژوهشگران عبارت است از بازسازی تاریخ باستانی اسکاندیناوی و مطالعه دربار‌های شیوه‌ی زندگی در این عصر. حماسه‌ی یاد شده در کمال عظمت سروده شده و منظومه‌ای استوار است. درونمایه‌ی نبرد انسان با نیروهای شر و تهدید دایمی فنا و میرایی در اوج دستاوردهای انسانی آن را با دیگر آثار حماسی پیوند می‌دهد. در این اثر نیز با جست و جو و سفرهای خارق‌العاده‌ای، قهرمان، نبرد او با غول‌ها و اعمال شگفت‌آور و پایان اندوهبار مواجه می‌شویم.

منظومه‌های دیگر حماسی از دوره‌ی انگلوساکسون تنها به صورت قطعاتی بازمانده، اما اشاراتی مکرر به قهرمانانی وجود دارد که نشان می‌دهد روایات گسترده و فراگیر پیرامون این قهرمانان در نزد انگلوساکسون‌ها و ملت‌های خوشاوند زرمی شمال غربی اروپا شناخته شده بوده است. وایکینگ‌ها ادامه‌ی سنت قهرمانی را نشان می‌دهند که بر گنجینه‌ی داستان‌های ملی و منظومه‌هایی دربار‌های اعمال پهلوانان در بسیاری از بخش‌های اروپا و فراسوی آن می‌افزاید.

یکی از قهرمانان بزرگ این حماسه‌ها سیگورد وُل‌سانگ^۱ بود که نقش او در حجازی‌های جزایر بریتانیا و در اسکاندیناوی به یادگار مانده است. او اژدهایی را می‌کشد و به دانشی اسرارآمیز و گنجینه‌ای عظیم دست می‌یابد، اما گنج برای او نفرینی ابدی به بار می‌آورد و سرانجام به دست برادرخوانده‌اش در جنگ کینه‌توزانه‌ی خانوادگی که شرکت در آن اجتناب‌ناپذیر بود، کشته می‌شود. سیگورد فرزند قهرمان دیگری به نام سیگموند بود. این خانواده تاریخ اندوهباری داشتند و بسیاری از آنان دلاورانه در جنگ علیه دشمنان عجیب‌الخلقه به مرگ درافتاده شدند. ماجرای نبردهای آنان حتی به شکل نسبتاً متأخر و دست خورده که به ما رسیده، جذاب و شگفت‌انگیز است. حماسه‌ی وُل‌سانگ‌ها و شماری از منظومه‌های ایسلندی کهن درباره‌ی رویدادها و شخصیت‌هایی از سلسله داستان‌های گسترده‌ی وُل‌سانگ را تشکیل می‌دهد. این داستان‌ها نمایانگر اهمیت زنان در سنت قهرمانی است. سیگموند خواهری دارد به نام سنگنی^۲ در طی مخاطرات و رنج‌های دیگران از پدر و برادرانش که شورش را در توطئه‌ای به قتل رساندند انتقام گرفت. گودرون^۳ همسر بداقبال سیگورد، و الکیبری برین هیلد^۴ مغرور که سوار بر اسب از دیوار آتش گذشت تا او را از خواب سحرآمیز بیدار کند، دو چهره‌ی فراموش‌نشده‌اند که الهام‌بخش سرایندهگان بهترین منظومه‌های ایسلندی بوده‌اند.

برین هیلد در تشییع جنازه‌ی سیگورد خودکشی می‌کند و گودرون چند زیست تا رویداد اندوهبار دیگری در میان اعضای خانواده‌اش را به چشم دید. داستان وُل‌سانگ‌ها همچنین الهام‌بخش حماسه زرمی نیلونگن شد، که در آن، سیگورد و گودرون در هیأت زیگفرید^۵ و کریم هیلد^۶ ظاهر می‌شوند و



بعدها در ابراهای واگنر به شهرتی نوین دست می‌یابند.

قوم سلت در بریتانیا نیز قهرمانان خود را داشت. منظومه‌های اولیه‌ی ویلیزها از سده‌های میانه اشارات بسیاری به شهریار اسرارآمیزی به نام آرتور داشته‌اند. پژوهندگان یکی پس از دیگری تلاش کرده‌اند شاه آرتور را با فرمانروایی که در دوره‌ی رومی‌ها با مهاجمان انگلوساکسنی جنگید، یکی فرض کنند؛ با این حال بارها خواسته‌اند جایگاه او را در چندین نقطه از بریتانیا تعیین کنند. مجموعه‌ای غنی از منظومه‌ها و داستان‌ها پیرامون شاه آرتور و جنگاوران مشهور حلقه‌ی او در بریتانیا، فرانسه و انگلستان سده‌های میانه شکل گرفت که در آن، بسیاری از محتشمان

مشهور پیرو او یا جهان دیگر در ارتباط بوده‌اند و سفرهای شگفت‌آوری داشته، با دشمنانی مافوق طبیعی مواجه گردیده‌اند. عجیب‌ترین و اسرارآمیزترین این داستان‌های قهرمانی مربوط به جست و جوی جام^۹ است که در آن، عرفان مسیحی با نمادهای باستانی اساطیر سلتی آمیخته است. وصف قهرمانان ایرلند که مشهورترین آنان کوچولاین^{۱۰} و فین^{۱۱} اند، در مجموعه‌ی بزرگی از داستان‌های منثور به زبان ایرلندی باستان بازمانده است. این مجموعه دوره‌ی بسیار گسترده‌ای را دربر می‌گیرد و معتقدند که شامل عناصری از فرهنگ اعصار پیش از مسیح است. این حماسه‌های ایرلندی و قصه‌های ویلیز تحت عنوان

مابینوگیون^{۱۲} درباره‌ی آرتور و دیگر قهرمانان است که عنصری نیرومند، رؤیایی و شگفت‌آور در آن‌ها به چشم می‌خورد، به طوری که فضای آن‌ها با داستان‌های قهرمانی هومری و ژرمنی تفاوت دارد. بعدها قصه‌های رمانتیکی درباره‌ی آرتور و سلحشوران حلقه‌ی او به شکل سرودهای حماسی^{۱۳} در فرانسه رواج یافت که به نوبه‌ی خود، ادبیات انگلیسی سده‌های میانه را تحت‌تأثیر قرار داد. گروه دیگر از قهرمانان مشهور، سلحشوران امپراتور شارلمانی بودند. این امپراتور به هیأت فرمانروایی جنگاور ظاهر می‌شود که با فرمانروای توصیف شده در نوشته‌های تاریخی به جای مانده، کاملاً تفاوت دارد و با این هیأت تازه بر نمایشنامه‌های عامیانه‌ی

چندین کشور تأثیر گذارده است. حماسه‌ی کوتاهی به زبان فرانسوی میانه معروف به سرود رولان در سده‌ی ۱۱ م. تصنیف گردیده و درباره‌ی نبرد حماسی یکی از قهرمانان شارلمانی با ساراسن‌هاست.^{۱۴} در سده‌ی بعد، شماری از منظومه‌های اسپانیایی درباره‌ی قهرمانان کاستیل سروده شده. که از همه مشهورتر، منظومه‌ی *Poema de mio cid* است.

در اروپای شرقی نیز گروهی از منظومه‌های روایی به روسی تحت عنوان بیلینی^{۱۵} درباره‌ی قهرمانان اولیه‌ی کیف و نووگورد و قزاق دوره متأخر است. برخی از این قهرمانان در زمره‌ی پادشاهان یا سرکردگان جنگی و برخی نیز به عیان مشهورند.

می‌شکافت تا آندرومدا را از دست این غول برهاند. پایان زندگی قهرمانان اغلب آندوهبار و ناگهانی است: آشیل در نبرد کشته می‌شود، زندگی کوتاه‌مدت و شکوفه و جلالی پایدار را به حیایی دیرپا و بدون هیچ دستاورد بزرگ ترجیح می‌دهد؛ سامسون ستون‌های تالار دشمنان را درهم فرو می‌ریزد و خود زیر آوار می‌ماند و مرگش باعث نابودی گروه کثیری از دشمنان می‌شود؛ راگنار لودبروک ۱۷ سرکرده‌ی وایکینگ، در گودالی پر از مار می‌افتد و می‌میرد، اما دشمنان را با خنده‌اش به خشم درمی‌افکند؛ سیگورد به زخم شمشیر خویشاوندانش کشته می‌شود، زیرا نمی‌توانست هم به گودرون و هم به برین هیلد هر دو وفادار باشد. قهرمانان یا مرگ آندوهبار خود

جاودانه می‌شوند و در یادها زنده می‌مانند و قصه آن‌ها به گونه‌ای مؤثر و پویا بر سر زبان‌هاست و هرگاه که به سبک و زیبایی ویژه برای بچه‌ها نقل می‌شود، از روایت اصلی خود دور می‌شود.

قهرمان چه شاهزاده باشد یا سرکرده‌ی جنگی، قدیس یا باشنده‌ای نیمه ایزدی، راهی را می‌پوید که ماجراهای کمتری در کمینش باشد. او به گونه‌ای سایه‌ی قهرمان - ایزد ادیان بزرگ جهان است و وجود چنین قصه‌هایی به معنی گریز به جهان قصه‌های پریوار نیست، بلکه به عنوان منبع خرد و الهامی ژرف برای نوع بشر است.

*Encyclopedia of World Mythology
Rex Warner
New York, 1975, PP25-36
بی نوشتارها:

- 1- Romulus
- 2- Horatius
- 3- sigurd the Volsung
- 4- signy
- 5- Gudrun
- 6-Valkyrie Brynhild
- 7- siegfried
- 8- Kriemhild
- 9- Corail: جامی که مسیح در شام آخر خود به کار برد.
- 10- Cuchulainn
- 11- Chansons de geste
- 12- saracens
- 13- Byliny
- 14- Maui
- 15- Ragnar lodbrok

اشعار مربوط به آن‌ها در آن اعصار هرگز به نوشتار درنیامد، اما در سده‌ی ۱۹، از راویان روستایی، که بازماندگان نشان هنوز تماشاچیان خود را با قصه‌های این قهرمانان کهن سرگرم می‌کنند، گردآوری شده است.

جادو و امور مافوق طبیعی دائماً وارد ادبیات حماسی می‌شوند و قهرمانان نیز دارای ماجراهایی در دنیای دیگرند. مانوی،^{۱۶} قهرمان پولینزیایی، از بالای درختی تنومند خود را به جهان فراز ابرها می‌رساند؛ سیگورد (قهرمان حماسه‌های بریتانیایی - اسکاندیناویایی) سواره از دیوار آتش می‌گذرد تا برین هیلد را نجات دهد؛ پرزنوس (قهرمان یونانی) به یاری هرمس، سر گرگن غول وحشتناک را

